



عبدالاحمد فیض

## جهان زیر شبح بحران در نظام حقوقی بین المللی

کیف تحت حملات سنگین توپخانه ای قوای مسلح روسیه نفس میکشد و مسکو کشور کوچک در همسایگی خود را مورد تجاوز قرار داده است. اما بخوبی برای مان قابل درک است که این نخستین حمله تجاوز کارانه علیه یک کشور مستقل نیست، در دودهه اخیر ما شاهد رخداد های خشن استعمال زور در روابط بین المللی بودیم، جنگ خونین بالکان و حملات مرگبار غرب بالای یوگوسلاویا که تحت پوشش عملیات بشردوستانه و دفاع از ارزشهای غربی انجام یافت و فدراسیون یوگوسلاویا را به جغرافیای متعدد تجزیه نمود، که برسمیت شناختن کوزوا در سال (۲۰۰۷) توسط جهان غرب بمثابة آخرین جغرافیه بازمانده از پیکر یوگوسلاویا، محصول جنگ بالکان با قربانیان میلیونی بود است.

حمله مسلحانه ایالات متحده علیه حاکمیت های مستقل مانند عراق در سال (۲۰۰۳)، تهاجم مسلحانه ایالات متحده با متحدین علیه افغانستان در اکتوبر (۲۰۰۱)، مشارکت قدرتهای متعدد شرقی و غربی در جنگ سوریه، جنگ یمن، سقوط رژیم لیبی در نتیجه یک ائتلاف برهبری امریکا، مجموع اقدامات مسلحانه غیرمجاز در برابر دیگران بوده که مشروعیت حقوقی آن در عدم تحویز حقوقی شورای امنیت ملل متحد و یا عدم تحقق شروط و الزامات حقوقی حق دفاع مشروع در هاله ابهام و تردید قرار دارد.

راه اندازی جنگ که قربانیان اصلی غیرنظامیان بوده و در تضاد با اصول عدم تجاوز و قاعده منع بکارگیری قوه در مناسبات بین المللی انجام میگردد، از اساس و بنیاد خود ظالمانه، قابل تقبیح و دشمنی با انسانیت است، جنگ به هر نام و تحت هر پوششی، چه دفاع از دموکراسی، استانداردهای حقوق بشری و یا بنام نبرد با مظاهر ناسیونالیسم افراطی و یا کانونهای فاشیستی راه بیافتد، عاملان آن مسوولیت سنگین تاریخی را بدوش میکشد.

اما در چنین وضعیت معین حقوقی و سیاسی که موضوع حق حاکمیت و تمامیت ارضی یک دولت مطرح است، نظام حقوقی موجود بین المللی چه پاسخی دارد؟

منشور ملل متحد در مواد (۱-۲) خود منع استفاده از زور، احترام به حاکمیت غیرو حل و فصل مسالمت آمیز مخاصمات را در روابط بین المللی پیش بینی نموده و دولتها را به خاطر پاسداری امنیت جمعی ملزم بر رعایت بدون قید و شرط عنوان داشته و تخطی از مفاد فوق را جنایت بین المللی توصیف مینماید.

مجازات و تأدیب عنصر تجاوز که خشن ترین جنایت بین المللی خوانده میشود، بوضوح در فصل هفتم، ماده (۴۱-۴۲) منشور وضاحت دارد، که استفاده از زور در برابر متجاوز آخرین گزینه در راستای اعاده نظم از میان رفته بین المللی بمثابة ابزار نیرومند در اختیار شورای امنیت قرار دارد.

طوریکه جهانیان شاهد رخداد های هولناک ناشی از بکارگیری اسباب زور و توسل بقوه عمدتاً علیه حاکمیت های کوچک کم از کم در سه دهه در مناسبات متزلزل جهانی بوده اند، شورای امنیت ملل متحد قادر نبوده است، تا در برابر عنصر زور و طرف متجاوز به دلایل گوناگون مانندی، حق ویتو، تحکم و سیادت مداوم قدرتهای بزرگ بر دستگاه ملل متحد، در روشنای اصول حقوق بین المللی در مقابل تجاوز بیاستد و به استثنای مساعی سیاسی و یا حمایت از اعمال تحریم و بایکوت، اقدامات دیگری که در حوزه صلاحیت دارد، استفاده نماید.

لذا باورم چون شاگرد حقوق همین است که با اندوه فراوان سیاره زیبای که دران زیست داریم، در خلالی حقوقی نه بلکه در بحران حقوق بین المللی دچار است.